



تبشیری‌ها در عصر قاجار -3

۲۵ مرداد ۱۲۸۶

جوزف ولف در نوامبر سال 1824 (1239ق) وارد بوشهر شد و سپس از کازرون، شیراز، اصفهان، کاشان، تهران و تبریز دیدن کرد و در تمامی این شهرها با یهودیان و مسلمانان دربارهٔ مسیحیت به بحث پرداخت. ولف نیز همانند مارتین، بدون وقفه و تحت هر شرایطی به تبلیغ می‌پرداخت. به‌عنوان مثال وی یک‌بار در شهر تبریز از ساعت ده صبح تا شش بعد از ظهر به شش زبان روسی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، انگلیسی و سریانی موعظه کرد.

در دو بخش گذشته، به ترتیب مطالبی دربارهٔ اقدامات مبلغان استعماری و مسیحی در ایران - دورهٔ قاجار - همچون: ترجمه و پخش انجیل، نشر کتب مسیحی در کنار کتاب مقدس، سفرنامه‌نویسی، فعالیت پزشکی، نشر سرودهای مسیحی، تأسیس مدرسه به سبک مسیحی، ارتباطگیری با عشایر ایرانی، تلاش برای جذب دربار و حکام محلی؛ و نیز معرفی چهره‌های شاخص و تأثیرگذار این جریان در ایران به حضور شما تقدیم شد. در آخرین قسمت، به معرفی دو تن از چهره‌های مهم دیگر تبشیری و اقداماتشان در ایران می‌پردازیم.

2. ژوزف ولف

یکی دیگر از مبلغان منفردی که پس از هنری مارتین به ایران آمد و فعالیت گسترده‌ای را در دربار قاجار و شهرهای مختلف ایران برای اشاعهٔ مسیحیت در پیش گرفت، مردی آلمانی‌تبار و یهودی‌الاصل به نام «ژوزف ولف» - متولد 1796 م - بود. گرچه پدر ولف از روحانیان یهودی بود، اما ولف در جوانی ضمن فراگیری زبان‌های بیگانه - به‌ویژه زبان یونانی - با عقاید مسیحیت آشنا شد و از این‌رو برای تحصیل به رم رفت. ولف سپس در کمبریج به تحصیل زبان‌های فارسی و عربی پرداخت، الهیات مسیحیت پروتستان را فراگرفت و پس از مدتی به تبلیغ در بین یهودیان علاقمند شد. ژوزف ولف در انگلستان به کلیسای انگلیکن پیوست و در «انجمن لندن برای اشاعهٔ مسیحیت در بین یهودیان» یا «CMI» به فعالیت پرداخت. سرانجام ولف نیز همانند هنری مارتین تحت تأثیر عقاید و آرای «چارلز سیمون» داوطلب شد به عنوان یک واعظ معمولی برای تبلیغ به شرق میانه اعزام شود. ژوزف ولف سفر تبلیغی خود را در سال 1821 (1236ق) آغاز کرد. این سفر پنج سال به طول انجامید.

جوزف ولف در نوامبر سال 1824 (1239ق) وارد بوشهر شد و سپس از کازرون، شیراز، اصفهان، کاشان، تهران و تبریز دیدن کرد و در تمامی این شهرها با یهودیان و مسلمانان دربارهٔ مسیحیت به بحث پرداخت. ولف نیز همانند مارتین، بدون وقفه و تحت هر شرایطی به تبلیغ می‌پرداخت. به‌عنوان مثال وی یک‌بار در شهر تبریز از ساعت ده صبح تا شش بعد از ظهر به شش زبان روسی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، انگلیسی و سریانی موعظه کرد.

ولف در 1826 (1242ق) ازدواج کرد. نتیجهٔ این ازدواج، پسری به نام هنری دراموند بود که بعدها به نمایندگی مجلس انگلستان رسید و مدتی نیز به‌عنوان «وزیرمختار انگلستان در ایران» به خدمت پرداخت. سرهنری دراموند ولف مقارن انجام مأموریت خود در ایران (1887-1890) به‌عنوان یکی از سیاستمداران فعال در عرصهٔ اقتصاد بین‌الملل انگلستان و به سبب ده سال نمایندگی حزب محافظه‌کار در مجلس این کشور، از حمایت و پشتیبانی کارگزاران دولت متبوعهٔ خود برخوردار بود. وی با تکیه بر تجربیات اقتصادی خویش و به منظور کاهش نفوذ روسیه، درصدد جلب سرمایه‌گذاری تجار انگلیسی در ایران برآمد و در رویدادهای اقتصادی مهمی نظیر انعقاد قرارداد تجاری رویت، امتیاز تالیوت در انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو و آزادی کشتی‌رانی در کارون، نقش مؤثری ایفا کرد. علاوه بر این، وی را باید پیشرو تفکر رسمیت‌بخشیدن به حضور روسیه و انگلستان در ایران دانست که سرانجام با انعقاد عهدنامهٔ 1907 به حقیقت پیوست.

فعالیت‌های ولف

الف- ملاقات‌های سیاسی - تبلیغی: ژوزف ولف شرح سفر خود را در کتابی با عنوان تحقیقات و زحمات تبلیغی بین یهودیان، مسلمانان و سایر فرق به تفصیل بیان کرده است. وی در این سفر، با شاهزادگان قاجار از جمله «عباس‌میرزا نایب‌السلطنه» و اعضای سفارت انگلستان در آذربایجان مانند دکتر مک‌نیل (Dr. McNeill)، سرجان کمپبل (Sir John Campbell) و دکتر کورمیک (Dr. Cormick) ملاقات کرد. او در طول سفر همواره خود را یک انگلیسی واعظ معرفی می‌کرد و با پیروان فرق و ادیان مختلف به بحث و گفتگو می‌پرداخت، به‌گونه‌ای که بخشی از کتاب او به شرح مباحث وی با یهودیان، زرتشتیان، ارامنه، مسلمانان شیعه، سنی، صوفیان و... اختصاص دارد.

ژوزف ولف در خراسان با عباس‌میرزا نیز ملاقات کرد. در این دیدار، عباس‌میرزا از عقیدهٔ ولف مبنی بر «تأسیس مدرسه در ایران»، استقبال نمود و حتی در یکی از مباحث ولف با مسلمانان و یهودیان شرکت کرد. عباس‌میرزا خود با ولف به مباحثه پرداخت و سپس در نامه‌ای او را به «امیر بخارا» معرفی نمود. در مقابل این استقبال عباس‌میرزا از ولف، وی در بیرجند به سرقت دوازده‌هزار تومان از اموال عباس‌میرزا متهم شد و تحت تعقیب قرار گرفت¹ که به سبب انگلیسی‌بودن او را رها کردند. ولف پس از رهایی، نسخی از کتاب مقدس را به زبان عربی و فارسی در آن ناحیه پخش کرد.

ولف در آخرین سفرش به ایران در سال 1843، با همراه آوردن تعداد قابل‌توجهی کتاب مقدس (عهد جدید)، پس از دریافت سفارشنامه‌هایی از سلطان عثمانی و شیخالاسلام آن سامان، با «محمدشاه قاجار» ملاقات کرد و از وی نیز سفارشنامه‌هایی برای فعالیت گسترده‌تر دریافت نمود.

ب- فعالیت‌های استعماری: همانگونه که گذشت، فعالیت‌های تبلیغی کلیسا همواره با سیاست‌های استعماری کشورهای استعمارگر هماهنگ بود. فعالیت ژوزف ولف نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از مهم‌ترین نتایج فعالیت تبلیغی ولف برای استعمار، تحقیقات وی دربارهٔ اقلیت یهود در شرق، به‌ویژه در ایران بود. تحقیقات ولف در زمینهٔ اقلیت یهود، سرآغازی برای نگاهی ویژه به یهودیان شرقی از جانب کلیسا شد. در ایام تبلیغ ولف در ایران، نظریه‌های خاص در اروپا راجع به اسباط گمشدهٔ یهودیان رایج شد که بر اساس آن، رابط‌های این‌همانی میان افغانه و اسباط گمشدهٔ یهودیان برقرار می‌شد. احتمالاً از همین رو است که ژوزف ولف بیشترین تلاش خود را به تحقیق دربارهٔ یهودیان ایران و همچنین اسباط گمشدهٔ آنان، در این سرزمین و آسیای میانه معطوف کرد. از سوی دیگر، با توجه به پیشینهٔ اندیشهٔ رایج و سیاست انگلستان مبنی بر حمایت از یهودیان در شرق و ترغیب آنان به مهاجرت به فلسطین، میتوان چنین انگاشت که فعالیت‌های ولف در زمینهٔ شناسایی یهودیان، تا حدودی از این امر نشأت می‌گرفته است. در واقع، در صورت تعیین افغانه به عنوان یکی از اقوام یهود، اقدامات سیاسی دولت انگلستان برای نفوذ و تسلط بر افغانستان با عنوان قانون حمایت از یهودیان شرق، رسمیت مییافت و این امر به نوبهٔ خود حضور انگلستان در شرق آسیای میانه را موجه مینمود. خود ولف در این باره می‌نویسد:

برای نخستین بار مسیحیت را به یهودیان مقیم ایران، خراسان، بخارا، افغانستان، دشت ترکستان، خوقند و ناتارهای چینی شناساندم و جمعی از یهودیان مصر، یافا، صنعا، یمن و بخارا را تعمیم دادم. من اولین بار مسئله یهود را در دانشگاه‌های آکسفورد، لیدن، اوترخت و در کنگره آمریکا مطرح کردم.

سرانجام به دنبال فعالیت‌های گسترده و مداوم ژوزف ولف برای تبلیغ یهودیان شرق میانه - خاصه ایران - انجمن لندن برای اشاعه مسیحیت در میان یهودیان، در سال 1844 اولین مبلغان مسیحی را برای فعالیت در جوامع یهودی ایران اعزام کرد.

از سوی دیگر، با توجه به این‌که مقارن قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم قمری) ایران از نظر موقعیت سوقالجیشی و استراتژیک به عنوان دروازه دسترسی به هندوستان، همواره مورد توجه دولت‌های انگلستان و روسیه قرار داشت، سفرهای مکرر ولف به شرق میانه را نمیتوان با اهداف سیاسی و استعماری انگلستان در این ناحیه بیارتباط دانست؛ خاصه آن‌که حضور ولف به عنوان مبلغ مذهبی در شرق میانه، کمتر از سفر کارگزاران سیاسی و نظامی انگلستان، توجه امرا و اهالی آن ناحیه را جلب میکرد.

ج - دستاوردها:

1. ملاقات با قشرهای مختلف مردم: از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های ولف در سفرهایش به شرق میانه و ایران، ملاقات با قشرهای مختلف مردم بود. وی، طی دیدار با افراد گوناگون، آمادگی آنان برای گرایش به مسیحیت را مد نظر قرار میداد و به شیوه‌های مختلف توجه آنان را به این آیین جلب میکرد. از جمله اقدامات وی در این زمینه، ملاقات وی با فردی به نام میرزا ابراهیم شیرازی است. گویا ولف پس از آشنایی با وی و بررسی توانایی‌های او، هزینه سفر وی به انگلستان را متقبل شد. گرچه از هدف اصلی ولف برای اعزام میرزا ابراهیم به انگلستان اطلاع دقیقی در دست نیست، اما میرزا ابراهیم با حمایت سرگور اوزلی به عنوان استاد زبان فارسی و عربی در کالج هند شرقی «هیلی بری» به کار مشغول شد. البته از تغییر یا عدم تغییر مذهب میرزا ابراهیم به وسیله ولف اطلاع دقیقی در دست نیست، اما نمیتوان قبول کرد که بی‌هدف، ولف هزینه سفر وی را متقبل شود و سرگور اوزلی نیز مقدمات تحصیل و تدریس وی را در انگلستان فراهم کند. از آنجا که وی با یک زن انگلیسی ازدواج کرد و نام فرزند او نیز نامی مسیحی بود، می‌توان وی را یکی از نخستین دستپوردهای ولف و سایر مبلغان انگلیسی در ایران قاجاری دانست.

2. ولف درباره نسطوریان مقیم ارومیه و خسروی تحقیق کرد و نسخه ارزشمندی از اسفار پنج‌گانه تورات به زبان سریانی را با خود به انگلستان برد که انجمن کتاب مقدس، برای بریتانیا و خارج چندین نسخه از آن را چاپ و منتشر کرد.

3. خدمت ولف به مسیحیت، صرفاً محدود به حوزه ایران نبود. وی در سال 1835 سومین سفر خود را از انگلستان به شرق میانه از سر گرفت و این بار به تحقیق درباره مسیحیان و یهودیان قاهره، حبشه، جدّه و یمن پرداخت و نسخه‌هایی از کتاب عهد جدید را در دسترس آنان قرار داد.

4. تبلیغات و تحقیقات ولف، به نتایج مثبتی در نحوه تعامل میان یهود و مسیحیت در ایران انجامید. قضیه از این قرار بود که انجمنی به نام «انجمن اشاعه مسیحیت در بین یهودیان» در سال 1809 و به منظور تبلیغ و تشریح یهودیان به آیین مسیحیت و ایجاد تسهیلات آموزشی و پزشکی برای آنان در سراسر جهان، در لندن تأسیس شد. اما اعضای این انجمن تا زمان ورود ژوزف ولف به ایران و سفرهای مکرر او - در دهه‌های 1820 و 1830 - برای تأسیس شعبه‌های به منظور ترویج مسیحیت در بین یهودیان ایران، هیچ اقدامی به عمل نیاوردند. از این‌جهت، پس از آن‌که ژوزف ولف به انگلستان بازگشت، با تکیه بر اطلاعاتی که از وضع یهودیان ایران و سایر سرزمین‌های واقع در شرق میانه جمع‌آوری کرده بود، اولین هیأت برای فعالیت بین یهودیان در سال 1844 به ایران اعزام شد. اعضای این هیأت سه‌نفره به طور هم‌زمان در مناطق یهودنشین ایران به جمع‌آوری اطلاعات و تبلیغ و تشریح یهودیان پرداختند و شرح مشاهدات خود را در اختیار انجمن قرار دادند. مدتی بعد، فعالیت‌های مبلغان این هیأت در بین یهودیان ایران، توجه سر موزس مونتّه فیوره - رهبر یهودیان انگلستان - را به خود جلب کرد و وی بودجه خاصی را برای کمک به این هیأت در نظر گرفت. بدین ترتیب، هیأت اشاعه مسیحیت در بین یهودیان، در شهرهای تهران، اصفهان و همدان، سه مرکز تبلیغی تأسیس کرد و از آن پس، همکاری خود را با انجمن تبلیغی کلیسا در اصفهان که در میان تمام اقلیت‌های دینی در ایران فعالیت میکرد، آغاز نمود. «رابرت بروس» مؤسس انجمن تبلیغی کلیسا در اصفهان، در مراسم مذهبی که اعضای هیأت مبلغان انگلیسی برای یهودیان برگزار میکردند، به موعظه می‌پرداخت و دکتر کار در امر احداث نمازخانه برای بیمارستان این هیأت در اصفهان با آنان همکاری میکرد. به عبارتی گرچه هیأت انجمن اشاعه مسیحیت در بین یهودیان به‌ظاهر هیأت مستقلی محسوب میشد، اما در باطن جزئی از هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در ایران بود.

3. رابرت بروس

انجمن تبلیغی کلیسا با توجه به ساختار مذهبی ایران مبنی بر حاکمیت غالب دین اسلام و تعصب مسیحیان بومی و سایر اقلیت‌های دینی در حفظ آیین‌های خویش، مایل بود بخش عمده فعالیت‌های تبلیغی خود را در سرزمینی چون هندوستان متمرکز کند تا از این طریق تاحدودی تحت حمایت نیروی استعماری انگلیسی حاکم بر آن منطقه، قرار گیرد و در ضمن، به تغییر کیش اهالی بومی آن سامان که به این امر مستعدتر و متمایلتر بودند، بپردازد. اما ناگفته نماند که اعضای انجمن تبلیغی کلیسا، به‌رغم سفرهای مبلغان منفرد، برای حفظ حلقه‌های ارتباطی خود در هندوستان، همواره امکان فعالیت در ایران را مد نظر داشتند. با این حال آن‌ها هیچ‌گاه درصدد تأسیس یک پایگاه ثابت در ایران برنیامدند و شاید هم مبلغ داوطلب برای انجام این کار نیافتند؛ چرا که برای ایجاد چنین مرکزی، آنان نمیتوانستند از وجود مبلغان منفرد سود جویند. در واقع، انجمن تبلیغی کلیسا حداقل به دو یا سه مبلغ دائمی نیاز داشت تا امکان حضور و فعالیت آنان را کمابیش تا حدود یک سال در ایران بررسی نماید و اطلاعات مورد نیاز آنان را برای توسعه امور تبلیغی در این کشور جمع‌آوری کند. سرانجام زمان مناسب برای این کار در سال 1869، یعنی مقارن بیست‌ویکمین سال حکمرانی ناصرالدین‌شاه قاجار (متوفی 1896) فراهم شد و انجمن تبلیغی کلیسا مبلغی به نام رابرت بروس را برای اقامت دوساله به ایران فرستاد.

رابرت بروس یک مبلغ ایرلندی از اعضای کالج تثلیث دولین بود که در بیست‌وپنج‌سالگی و به سال 1858 از مقام شماسی - خادم کلیسا و رتبه‌های پایینتر از کشیش - به عنوان کشیش، تعمیم داده شد و برای خدمت در هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در ناحیه آمرینسار در پنجاب هندوستان مستقر شد. بروس در سال 1868 به سبب بیماری به همراه همسرش به انگلستان بازگشت و یک سال بعد به تنهایی بار دیگر سفر خود را به هندوستان در پیش گرفت. وی از آنجا که طی اقامت در هندوستان با فارسی‌زبانان بسیاری روبه‌رو شده بود، تصمیم گرفت برای تکمیل زبان فارسی خود و اصلاح ترجمه انجیل هنری مارتین مدتی در ایران به سر برد. از این رو، وی، در سال 1869 به عنوان تنها نماینده انگلیسی دولت انگلستان در جلفای اصفهان مستقر شد تا ترجمه فارسی انجیل و تورات را اصلاح نموده، کتاب دعايي را به زبان ارمنی ترجمه کند. 4. ورود بروس به اصفهان با یکی از ادوار بروز فحطی در سراسر ایران و شیوع وبا در اصفهان هم‌زمان بود. بروس با تکیه بر وظایف تبلیغی خویش، درصدد برآمد ضمن انجام امور خیریه، برای نگهداری و رسیدگی به فحطیزدگان و بیماران مبتلا به وبا، اولین نمونه از فعالیت‌های انجمن تبلیغی کلیسا را به جامعه اصفهان معرفی کند. وی پس از آن‌که همسرش در سال 1870 به او ملحق شد، کار رسیدگی به آسیب‌دیدگان را آغاز

کرد و حدود هفت‌هزار نفر را که دوهزار نفر آنها ارمنی بودند، تحت پوشش قرار داد. بدین ترتیب، حدود شانزده‌هزار پوند از لندن و مبلغی حدود هزار پوند به عنوان اعانه برای قحطیزدگان، خاصه ارامنه و یهودیان جلفا و اصفهان به دست بروس رسید. هزینه نگهداری و رسیدگی از این افراد را، بروس و برخی حامیان امور تبلیغی در انگلستان و اروپا تأمین می‌کردند.

برخی از ارامنه جلفا از فعالیت‌های بروس استقبال کردند و به وی پیشنهاد کردند در تأسیس یک مدرسه کوچک برای ارامنه به آنها کمک کند. البته در همان حال گروه دیگری از ارامنه جلفا به‌طور علنی با حضور بروس و فعالیت‌های او - که کمابیش سبب تغییر آیین برخی از ارامنه و پذیرش آیین پروتستان شده بود - مخالفت می‌کردند.

بروس طی پنج سال اقامت خود در ایران، علاوه بر انجام امور خیریه که در نهایت برای جلب توجه اهالی اصفهان و جلفا نسبت به فعالیت‌های هیأت تبلیغی بود، امر تبلیغ و ترویج آرا و عقاید مسیحیت پروتستان را نیز بر عهده داشت. وی برای نیل به این مقصود، مراسم مذهبی را در محل اقامت خود به زبان فارسی برگزار می‌کرد و تنها سرودها و مزامیر را به زبان ارمنی بیان می‌نمود. وی بر آن بود که علاوه بر ارامنه، سایر اهالی جلفا و اصفهان مانند مسلمانان و یهودیان را نیز به پذیرش آرا و عقاید پروتستان دعوت کند. البته فعالیت او در این زمینه، در بیشتر موارد بینتیجه بود. با این حال، پس از گذشت شش سال از اقامت بروس در جلفا، سرانجام انجمن تبلیغی کلیسا متقاعد شد تا فعالیت بروس در ایران را به رسمیت بشناسد و بدین ترتیب در تابستان 1875 اولین هیأت انجمن تبلیغی کلیسا به طور رسمی کار خود را در ایران دنبال کرد و از پشتیبانی و حمایت دایمی و رسمی انجمن مذکور برخوردار شد.

به مرور ایام و به‌ویژه پس از سفر موفقیت‌آمیز بروس و خانواده‌اش به ایرلند در سال 1881 که به تأمین بودجه مورد نیاز هیأت انجامید، شماری از مبلغان ایرلندی آمادگی خود را برای همکاری و فعالیت در هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا اعلام کردند. برخی از این اعضای جدید، از مبلغان منفرد و شماری از آنان نیز از جمله زنان مبلغ بودند. از آن پس، فعالیت مبلغان هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در جلفا در سطح قابل توجهی توسعه یافت و در سه شاخه امور مذهبی، آموزشی و پزشکی متمرکز شد که در واقع دو شاخه آموزشی و پزشکی، جزئی از فعالیت مذهبی بودند.

فعالیت‌های بروس

الف - فعالیت‌های تبلیغی: اگرچه رابرت بروس برای ترجمه و تصحیح متون کتب عهد عتیق و جدید به ایران آمد، اما حیطة وظایف او تنها به این امر محدود نمی‌شد. رتور آرنولد - سیاح انگلیسی - ضمن توصیف بروس از وی به عنوان یک مبلغ استثنایی، سرباز الهی با ذائقه‌های خاص برای جنگ مذهبی در دورترین مکان‌های زمین و مسلط‌ترین فرد در ایران به زبان فارسی یاد می‌کند. رابرت بروس به سبب تسلط بر زبان فارسی، علاوه بر ترجمه و تصحیح کتب مقدس، برای اهالی جلفا موعظه می‌کرد و از ترجمه متون مذهبی به زبان فارسی برای جلب توجه عامه مردم سود می‌جست. همچنین بروس کلاس‌هایی برای فراگیری زبان انگلیسی برای بزرگسالان تشکیل داده بود. پس از این کلاس‌ها، مراسم عبادی به شیوه آیین ارامنه برگزار می‌شد. این کلاس‌ها و مراسم، انگیزه لازم را برای جلب توجه ارامنه به حضور در هیأت ایجاد می‌کرد. اگر چه اکثر ارامنه هیچ‌گاه از عقاید خود بازنگشتند، اما به هر حال حضور در هیأت بر وجهه ظاهری فعالیت مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا می‌افزود.

ب - فعالیت‌های آموزشی: رابرت بروس پس از اقامت در جلفا به پیشنهاد برخی از ارامنه و با همکاری کاراپت هوانس، مدرسه‌ای برای آموزش پسران ارمنی در جلفا تأسیس کرد. این مدرسه در حدود سال 1874 کار خود را در جلفا آغاز کرد. سه سال پس از تأسیس این مدرسه در 1877 حدود 131 شاگرد - که همگی، جز سه کودک، ارمنی بودند - در این مدرسه تحصیل می‌کردند. بعضی از فرزندان کنشیشان ارمنی نیز در شمار این محصلین بودند. همچنین برخی از کودکان بیسرپرست نیز در این مدرسه تحصیل می‌کردند که طبعاً هیأت انجمن تبلیغی کلیسا مخارج تحصیل آنان را تأمین می‌کرد. شمار دانش‌آموزان این مدرسه در سال 1891 حدود 205 نفر بود و در مدت پانزده سال، حدود 56 درصد به تعداد دانش‌آموزان آن افزوده شد. برنامه درسی این مدرسه عبارت بود از: آموزش زبان لاتین، فرانسه، انگلیسی، چهار کتاب اول هندسه اقلیدسی و جبر، که بعضی از این دروس به نوجوانان تدریس می‌شد. به نقل از دکتر ویلز، برنامه درسی این مدرسه با کلاس‌های درسی سیکل اول دبیرستان در انگلستان مطابقت داشت. علاوه بر مدرسه پسرانه، هیأت جلفا مدرسه دخترانه‌ای نیز ایجاد کرد. این مدرسه را مبلغان زن اداره می‌کردند و حدود صد دانش‌آموز دختر در آن به تحصیل اشتغال داشتند. همچنین کلاس‌های خاصی برای تعلیم فنون و حرف مختلف، از جمله نجاری برای پسران و خیاطی، سوزندوزی و برودری‌دوزی برای دختران در نظر گرفته شده بود که به سبب امکان استفاده از این فنون در زندگی روزمره و امرار معاش، این کلاس‌ها بسیار مورد استقبال دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان قرار گرفت. گفتنی است تعلیم این حرف را غالباً استادکاران بومی بر عهده می‌گرفتند و دولت انگلستان نیز از صرف هزینه در این خصوص خودداری نمی‌ورزید. علاوه بر این، گروهی از ارامنه جلفا که کودکان آنها در این مدرسه تحصیل می‌کردند، معتقد بودند که کودکانشان پس از تحصیل در این مدارس و آشنایی با زبان انگلیسی، به سهولت می‌توانند به هندوستان بروند و با پرداختن به برخی امور اقتصادی، از موقعیت مالی مناسب برخوردار شوند و با ارسال مبالغی، خانواده‌هایشان را تأمین کنند و تغییر قابل توجهی در وضع اجتماعی و اقتصادی خود به وجود آورند. به نقل از ایزابلا برد، با در نظر گرفتن بزرگسالانی که در این هیأت تعلیم می‌دیدند، حدود سه‌هزار نفر از آنان، پس از فراگیری زبان، علوم و حرف مختلف به هندوستان، جاوه یا اروپا می‌رفتند و در این نواحی به تحصیل یا کار مشغول می‌شدند. کلارا رایس، از سیاحان و وابستگان به انجمن تبلیغی کلیسا، نیز در کتاب خود به نام زنان ایران و رسوم آنها به مواردی از این مهاجرت‌ها اشاره کرده، یادآور می‌شود که برخی دختران دانش‌آموز در مدارس هیأت برای تحصیل پزشکی و سایر علوم به ایالت‌متحده آمریکا، هندوستان و انگلستان می‌رفتند. در مدارس هیأت انجمن تبلیغی کلیسا، علاوه بر تعلیم و تدریس دانش‌آموزان، مکان مخصوصی نیز برای فعالیت‌های ورزشی آنان در نظر گرفته شده بود.⁵

پی‌نوشت‌ها:

1. در قضیه تنباکو، ظل‌السلطان برای تجدید مراتب خدمتگزاری خویش نسبت به دستگاه رژیمی و انگلیس، تلگرافی به آرنستین فرستاد و نوشت: «بر عهده خود واجب میدانم که مساعی خود را از هر جهت به کار ببرم و تا به حال با وجود ضعف و ناخوشی، از هیچ کمکی مضایقه نداشتم... هرچه مستر موثر خواسته همواره برآورده‌ام و بعد از این نیز انجام خواهم داد. و به حرمت‌های آخوندها نباید اعتنایی داشت.» (ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، تهران، جاویدان، 1346؛ نقل از موسی نجفی، همان، صص 64، 63)
2. سه سال پس از نهضت تنباکو که ناصرالدین‌شاه به علت اعتراض مردم، ظل‌السلطان را به تهران احضار کرد و او را در شرف عزل قرار داد، ایادی انگلیس در تهران به‌زور ظل‌السلطان را برای بار مجدد به ناصرالدین‌شاه تحمیل کردند و حکم دوباره وی برای اصفهان را از او گرفتند.
3. الگار، حامد، دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)، ترجمه: ابوالقاسم ستیری، تهران، توس، ج 2، 1369، ص 167
4. حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن و بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ج 3، 1378، صص 532 - 507 (با تلخیص، تغییر و تصرف).
5. ولف، یک بار دیگر نیز، مدتی در بخارا زندانی شد تا این‌که به وساطت محمدشاه و اصرار کلنل شیل، سفیر انگلستان در ایران، آزاد شد و به ایران بازگشت.

بستن پنجره

